



سخن بزرگانرا خورد نباید شمرد . و کلمات حکمت آمیز  
 را سفسطه نشاید تصور کرد خواجه فرماید :

پیران سخن بتجربه گفتند گفتمت هان ای پسر که پیرشوی بند گوش کن  
 بلی درخت افکن نا بکار را دست روزگار بزودی تیشه بر ریشه  
 زده و اره بر ساق خواهد نهاد . شکارچی جانور آزار بی رحم هم  
 اگر محتشم است زود گدا او درویش خواهد شد .

حکایت متوکل عباسی و قطع سروکاشمر افسانه زبانها و زیب  
 داستانها است . چنانکه بعضی از مورخین مینگارند سروکاشمر را در یکی  
 از دهات ترشیز خراسان موسوم بکاشمر زردشت حکیم غرس نموده  
 سروکاشمر بمناسبت زمین و هوا و بعقیده پیران زردشت باعجاز وی  
 هریکسال بیش از ده سال درختان دیگر نمو میکرد و در زمان  
 متوکل که هزار و چارصد و پنجاه سال از عمر نباتی وی گذشته بود  
 دور ساقه ایندرخت بر حسب مساحت صد و چهل و چار ارش بود  
 هزار ها کاروان در سایه وی منزل میکردند و کرور ها مرغان  
 مختلف در شاخ و برگش آشیان داشتند .

حدیث سروکاشمر چنانکه امروز ضرب المثل شعراست آنروز هم ورد زبانها گشته و انظار عالمیان بطرف ایندرخت عظیم الجثه بینظیر جلب شده بود .

متوکل از راه دشمنی با ایران و آثار کیان مأمور مخصوص از بغداد گسیل داشت تا آن درخت را قطع کرده ببغداد حمل کند . پس از قطع درخت و پراکنده شدن طيور سر و شاخه اش را بهزار و چار صد شتر حمل کرد و نیز تنه او را میخواست قطعه قطعه کرده و حمل نماید . شبانگاه شخصی مهیب در برابر گماشته متوکل آشکار شد و گفت : من رب النوع اشجار هستم و امشب متوکل را بکیفر بریدن این سرو تیشه بر ریشه زندگانی زدم شما از بردن ایندرخت ببغداد منصرف شوید گماشته متوکل را خوف غالب شده و دست از کار کشید پس از چند روز از بغداد خبر آمد که متوکل در همان شب بهفت ضربت شمشیر در دست غلامان خودش مقتول گردیده و بسزای کردار زشت خویش رسیده است .

شکارچی را نیز يك ضرب المثل مشهور بین عوام میگوید که (عاقبت بخیر نخواهد بود) و مکافات خدائی و کیفر روزگار عاقبت او را گریبان گیر خواهد شد . شکارچی بدترین افراد بشر بلکه بکلی از حوزه آدمیت خارج است .

این سنگدل بیرحم شبانه روز در صدد است که بزه آهو را

در دشت بیما در یا کبک و تیهور را بیجوجه و فرزند سازد. این شقی قسی القلب را اگر محتشم است درویشی کمترین جز است بلکه هفت دوزخ از جزا و سزای او عاجز است.

### ( نظامی فرماید )

بچشم خویش دیدم در گذرگاه که زد بر جان موری مرغکی راه  
هنوز از سید منقارش نپرداخت که مرغی دیگر آمد کار اوساخت  
چو بد کردی مشو ایمن ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافت  
سپهر آینه عدلست و شاید که هر چه آن از تو بیند وانماید  
هر کس در حالات شکارچینی که در دوره عمر خود دیده  
نظر دقت باز کند مجازات آنها را در کنارشان خواهد یافت و  
از آنان درس عبرت خواهد آموخت.

یک شکارچی معروف را همه می بینم که سال و ماه - تابستان  
و زمستان بترک خانه خود گفته و در دشت و کوه برای آزار  
جانوران بی آزار لانه گذارده است. این شکارچی قسی القلب با  
اینکه مدعی انسانیت است یک تازی و باز که آلت جانور آزاری او  
است بر عالم انسانیت ترجیح میدهد. مرغان خوش الحان و آهوان  
سیاه چشم صحرا از شر این شکارچی در لانه و آشیانه خود آسایش  
ندارند. این شکارچی بد بخت بکیفر قساوت قلب و خونخواری  
جانوران از محتشمی بدرویشی افتاده و دست کیفر دهر در سعادت  
را بر روی او بسته و دست سؤالش را بطرف تمام افراد ملت گشوده

است . همه کس اگر این شکارچی را میشناسد کيفر اعمال و کردار او را در برابرش مجسم می بیند ولی خود شکارچی را چشم عبرت بین کور و دیده عقل نابینا است از اینرو دیوانه وار کردار زشت و گناه نازك خود را در هر دشت و صحرا هنوز تعقیب میکند تا آنگاه که تیر کيفر از کمان تقدیر در دل او بنشیند و جانوران بیگناه از شر او فارغ و آزاد شوند .

هزارها درخت افکن را اگر در مد نظر آوریم خواهیم دید که هیچیک از جوانی پیری نرسیده اند .

در اصفهان درختان کهن سال از تمام شهر های ایران بلکه از شهرهای تمام دنیا زیادتر بود . صدها هزار درخت چنار سیصد و چار صد ساله یادگار سلاطین صفویه تا بیست سال پیش از این در اصفهان با استقامت بر یکپا ایستاده و صفا و طراوت و تنظیف هوا و ایجاد باران و جلوگیری از امراض را ضمانت و پشتیبانی میکردند در فاصله پانصد سال فرزندان خلف اصفهان دست تطلول و اوره بیداد بطرف این درختان نکشیدند . ولی از بیست سال باینطرف ناخلف فرزندان همان بدران عالی مقدار با اوره و تیشه تما درختها را ریشه کن نموده کاخ صفا و طراوت و خرمی اصفهانرا با خاک برابر بلکه خاکش را هم بیاد فنا دادند .

آیا درخت افکن ها از اینکار سودی برند ؟ ؛ البته نه زیرا بخانواده های آنان هر کس بشناسد و نظر افکند خواهد دید که

رب النوع اشجار متوکل مانند همه را تیشه کيفر بریشه زده و بساط زندگی شانرا بکلی در نور دیده است .

اینک در برابر چشم اهالی اصفهان است که پس از آنکه باغ هشت بهشت ملی گردید و از حیطه تصرف باسبانان خود خارج گشت در فاصله ششماه اشخاصی چند از هر صنف و قیل درختان کهن سالش را قطع کرده و یکمتر به اصفهات را از آثار قدیمه تهی دست ساختند .

من اهالی عبرت بین اصفهانرا اکنون دعوت میکنم که برای کيفر و مکافات دهری این درخت افکنان حاضر منتظر بلای آسمانی باشند رئیس مالیه دیروز هدف تیر مکافات گردید و البته اگر امروز نه فردا رب النوع اشجار از آن آخوند و سید دسیسه کار که علت اصلی قطع اشجار شدند بسختی انتقام خواهد کشید و نیز از آن سید قلاش یارندک او باش که در فروش و بریدن درختان شرکت کرده و چند شبی بزم عشرت چیدند بزودی اجل بساط زندگی را خواهد برچید .

جای هزاران شکر و سپاس است که اقدامات قابل تقدیس آقای سردار سپه وزیر جنگ باغ هشت بهشت را با بقیه اشجار و عمارات از چنگال خرابکاری دزدان و شیادان نجات داده و بدست باسبان نخستین سپرد و تمام اهالی اصفهانرا از هر طبقه سپاس گذار خویش نمود .

و گرنه دزدان حریص چشم عبرت بسته با اینکه دیدند رؤس مالیه درخت افکن بکفر این عمل چگونه جان داد باز هم یکی بعد از دیگری پس از قطع بکفر اعمال میرسیدند .

( وحید )

## «فارس بر همه جا مقدم است»

ما از نخستین روز که برای نگارش « ارمغان » قلم بر گرفته و خدمت بعالم ادبیات را تا اندازه قدرت خویش کمر بر بستیم . در نظر داشتیم که نام نامی شعرا و ادبای حقیقی قرن اخیر ایران را همواره زیب صفحات ارمغان قرار داده و در دوره که قدر ناشناسی و جهالت جامعه علم و ادب را تا بود و شاعر و ادیب را در قبرستان فراموشی مدفون ساخته . بدرجه وسع و قدرت از آنان قدر شناسی نمائیم .

برای تکمیل این مقصود البته لازم بود که بدنیای متمدن امروزی اقتدا کرده عکس مقدس شعرا و ادبائی که اصول شعر و ادب بشمارند گراور ساخته با شرح حال و کیفیت زندگانی و مختصری از آثار بدیمه آنان در صحنه تاریخ برای فرزندان آتیه یادگار بگذاریم آری در زمانی ما از این مسلك تعقیب میکنیم که دزدان بشریت و قاطعان طریق علم و ادب این حق مشروع را هم از ادبا و شعرا غصب کرده و بوسبله مشتی سیم و زر که از خزانه جامعه